



بازیگران هالیوود علیه سیاست‌های ترامپ

در دو روز گذشته، دو بازیگر زن هالیوود نسبت به سیاست‌های ترامپ اعتراض کردند. شارلیز ترون، بازیگر مشهور متولد آفریقای جنوبی که هر ساله مراسمی را برای کمک به انجمن‌های حمایتی آفریقا برپا می‌کند، در این مراسم سیاست‌های مهاجرتی جدید آمریکا را نقد کرد؛ سیاست‌هایی که حتی برنامه‌هایی برای کنترل اچ‌ای‌وی را هم به حالت تعلیق درمی‌آورد. او در این مراسم گفته: «سیاست‌های مهاجرتی دولت، زندگی خانواده‌ها را نابود کرده، نه مجرمان را؛ حقوق زنان هر روز کمتر می‌شود و خشونت مبتنی بر جنسیت در حال افزایش است. این یک سیاست نیست، بلکه یک دیدگاه شخصی است. لعنت به آنها». از سوی دیگر باربارا استرایسند، بازیگر زن دیگر هالیوود که در فیلم «سناره‌ای متولد شده است» بازی کرده، در مصاحبه جدیدی با «اسوشیتدپرس» گفته، دولت ترامپ او را دچار پریشانی روانی کرده و نگران است. اومی گوید، هر روز از دیدن «هرچ‌مرج، فساد و ستم» رئیس‌جمهور «دونالد ترامپ»، وحشت‌زده می‌شود.



غروب بامداد

بامداد بیات آهنگساز، تنظیم‌کننده، نوازنده پیانو و فرزند آهنگساز برجسته موسیقی ایران، بابک بیات دبیروز در چهل سالگی درگذشت. بابک صحرایی ترانه‌سرا این خبر را در اینستاگرام خود اعلام کرد و نوشت: «بامداد بیات پرکشید. کجای رفتی عزیزدلم، برادر کوچکم. توان نوشتن ندارم. لعنت به این تقدیر و روزگار.» بامداد موسیقی را از کودکی نزد پدرش آموخت و او را اصلی‌ترین استاد خود می‌دانست. او در سن ۱۱ سالگی به هنرستان موسیقی رفت و به تحصیل پرداخت اما از اواسط دوره دبیرستان برای ادامه تحصیل به کانادا مهاجرت کرد و در آن‌جا دیپلم موسیقی را در رشته موسیقی جاز از دانشگاه تورنتو دریافت کرد. او در کنار ساخت و تنظیم ترانه، به ساخت موسیقی متن فیلم نیز علاقه خاصی داشت و علاوه بر ساخت موسیقی متن فیلم‌های کوتاه «خانه کجاست» (۱۳۷۶) و «عصیان» (۱۳۷۸) در ساخت و تنظیم موسیقی فیلم‌های «ساحره»، «دو زن»، «فریاد»، «قرمز»، «دست‌های آلوده» و سریال «ولایت عشق» همراه و دستیار پدرش بود.



شعار مرگ بر اسرائیل در یک کنسرت رپ

جشنواره موسیقی گلاستونبری در انگلیس، تحت‌تأثیر شعارهای ضدصهیونیستی و مرگ‌بر اسرائیل قرار گرفت. در این جشنواره که به‌صورت سالانه برگزار می‌شود و در آن گروه‌های موسیقی انگلیسی و ایرلندی به اجرا می‌پردازند، یک گروه رپ انگلیسی به‌نام «باب ویلان» در روز شنبه در حین اجرای خود، با سر دادن شعار «مرگ بر اسرائیل» و «فلسطین را آزاد کنید»، باعث ایجاد هیجان و همراهی مخاطبانش شد و بسیاری از تماشاگران، پرچم‌های فلسطین را برافراشتند و با گروه موسیقی که روی سن در حال اجرا بود، همراهی کردند. این اتفاق دو بازخورد مهم داشت: اول اینکه شبکه بی‌بی‌سی که همیشه کنسرت‌های موسیقی بریتانیا را به‌صورت مستقیم پخش می‌کند، از پخش زنده این کنسرت خودداری کرد و از سوی دیگر، دیروز روزنامه دیلی میلی، تیتریک خود را به درخواست بازداشت اعضای این گروه رپ از سوی دولت اسرائیل اختصاص داد.

روایت نویسنده

احمد زیدآبادی درباره کتاب چراغ زمین، واقعه عاشورا و امکان روایت بدون سوگیری این واقعه می‌گوید / بخش اول

به روایت تاریخ



علی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ

پیش از اینکه از پی انقلاب ۵۷ مسئله عاشورا با ساخت سیاسی پیوند بخورد، این واقعه برای سده‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای تاریخی، اسطوره‌ای و مذهبی در ذهن و ضمیر سوزۀ ایرانی پیوند خورده بود. تا جایی که حتی میان بزرگان اهل سنت ایرانی هم عاشورا و حسین بن علی جایگاه متمایز دارد. مثلاً نگاه کنید به توجه مولانا، بزرگترین عارف اهل سنت که در مثنوی با نگاه و رویکرد خودش به «کار بزرگ» حسین می‌پردازد. نفس این کار بزرگ اما در سال‌های اخیر به دلایل زیادی به حاشیه رفته است. کار بزرگ حسین (ع) این بود که میان ننگ و نام، نام را برگزید. او از سر اجبار مرگ با عزت را به زندگی با ذلت ترجیح داد. منشا و اتفاقات چندماه اخیر زندگی‌اش حکایت از این دارد که تا وقتی مجبور نشده همه هستی‌اش را فدا نمی‌کند و این کار او را بزرگ می‌کند. اینکه او

می‌خواست زندگی شرافتمندانه برای خود، خاندان‌اش و آنان که به او اقبال داشتند مهیا کند، وقتی نمی‌شود می‌خواهد که به کنجی برود و بدون بیعت ننگین زندگی کند و وقتی که ناگزیر از انتخاب میان ننگ بیعت با یزید و مرگ می‌شود، مرگ را انتخاب می‌کند. راویان قصه‌سرا برای گرمی بازار منبرشان چنان روایت می‌کنند که گویی حسین از همان ابتدا مکه را به قصد مرگ ترک می‌کند یا داستان‌هایی چون پیشنهاد کمک «زعفر جنی» مطرح می‌شود. اینها همه تالی فاسدی بزرگ دارند. اینکه حسین، نه حتی در مقام نوه پیامبر و فرزند علی، بلکه به عنوان انسانی آزادی‌خواه مرگ شکوهمند را به هر قیمت زیستن انتخاب می‌کند. ردبای این رویکرد را در کتاب «چراغ زمین» نوشته احمد زیدآبادی می‌توان دید. زیدآبادی در این کتاب سعی کرده است که با دوری از احساسات، واقعه عاشورا از لحظه‌ای که در مکه به او خبر می‌رسد را همچون یک واقعه تاریخی شرح دهد. درباره این رویکرد و امکان بدون سوگیری بودن درباره چنین واقعه ستrgی، با او گفت‌وگوی مفصلی کردیم. آنچه می‌خوانید بخش اول این گفت‌وگوست و فردا بخش دوم منتشر خواهد شد.

❖ تازه‌ترین کتاب شما به‌نام «چراغ زمین» درباره امام حسین (ع) است. در این کتاب سعی کردید حرکت حسین بن علی از زمان مرگ معاویه تا روز عاشورا را به‌صورت مختصر و با یک زبان همه‌فهم توضیح بدهید و در ادامه نیز وقایع کوتاه پس از روز عاشورا و آنچه بر خواهر ایشان گذشته را شرح داده‌اید. در مقدمه کتاب هم شما اشاره کردید که ماجرای نوشتن از اینجا شکل می‌گیرد که داستان امام حسین(ع) را برای فرزندان تعریف می‌کنید و او پیشنهاد می‌کند که متنی بنویسید که برای نوجوان‌ها و جوان‌ترها نیز قابل فهم باشد. از همین جا شروع کنیم. پرسش نخست این است که آیا به نظر خودتان امروزه موضوع امام حسین مسئله نوجوانان و جوانان است و آیا در جهان‌بینی‌شان شخصیتی مثل ایشان می‌تواند جایگاهی پیدا می‌کند؟ آیا شناخت امام حسین کمکی به آنها می‌کند و گرنه از گره‌شان باز می‌کند؟

وقتی از یک نسل صحبت می‌کنیم، لزوماً به این معنی نیست که این نسل کاملاً یکپارچه‌اند و شبیه یکدیگر فکر و رفتار می‌کنند یا نگاه واحدی به جهان، هستی و اینها دارند. برای نمونه درباره دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی اغلب تصور می‌شود که همه جوانان و دانشجویان چریک و مبارز بودند، درحالی‌که در دانشگاه اصلاً چنین خبری نبود. تعداد چریک‌ها اندک بود و فقط برخی از آنها در محافل کوچکی شناخته شده بودند. الان هم در همین نسل فعلی همه‌نوع نوجوان و جوان با گرایش‌های مختلف وجود دارد. طبیعی است که در میان نوجوانان عده‌ای اصلاً به تاریخ اسلام، شهادت امام حسین و اساساً موضوعات تاریخی علاقه‌ای نداشته باشند و بی‌تفاوت باشند. روشن است که مخاطب من، این دسته از نوجوانان نیست. اما در مقابل افراد جوانی هستند که علاقه‌مندند چیزی از تاریخ بدانند. مثل فرزندان خود من که پرسش‌هایی در این باره مطرح می‌کنند و خطاب من در این کتاب، طیفی مانند آنهاست. بنابراین من اثری ننوشتام با این هدف که حتماً کسی که علاقه‌ای ندارد، برود آن را بخواند؛ این کتاب را برای کسانی نوشته‌ام که علاقه‌مند، جست‌وجوگر و کنجکاو هستند تا راحت‌تر به یک متن تاریخی دسترسی پیدا کنند.

❖ متوجه منظور شما هستم و درباره تنوع نسل‌ها و امکان‌ناپذیر بودن یکپارچگی نیز کاملاً موافقم، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که حالا شخصیت حسین بن علی، دارای وجوه قهرمانی است؛ دارای قصه و روایتی است که فارغ از اینکه کسی مسلمان و شیعه باشد یا نه، برایش جذاب است. تا پیش از این، احتمالاً برای نسل‌های ما چنین چیزی بیشتر ملموس بود. این روایت برای ما انسجام و جذابیت داشت و هر سال هم که آن را می‌شنیدیم، برایمان تازگی داشت. الان نسل‌های جدید به‌ویژه نسل زد امکانات و تنوع‌های بیشتری دارند. نسلی که با کوشی‌های هوشمند سروکار دارد و بزرگ می‌شود و دائماً درباره شخصیت‌ها و قهرمان‌های دیگر محتواهای مختلف می‌بیند. این پرسش مطرح است که آیا شخصیت و قهرمانی مانند حسین بن علی می‌تواند برای این نسل جذابیت داشته باشد؟

اگر بخوانند و آشنا شوند، چراکه نه؟ تاریخ دامنه وسیعی دارد، امتدادی طولانی دارد و آدم‌ها و شخصیت‌های متفاوت در آن نقش بازی کرده‌اند. هرکس نیز به شیوه‌ای نقش خود را ایفا کرده است. برخی انسان‌ها زندگی‌شان جذاب است و برخی فاقد جذابیت‌اند. آن‌هایی که جذابیت دارند هرکدام‌شان در یک زمینه‌ای درخشیده‌اند. مثلاً در جنگاوری، نویسندگی، فلسفیدن، شاعر بودن، مبارز بودن، عارف بودن، ملا بودن یا دانشمند بودن. خلاصه هرکدام در یک حوزه‌ای برجسته شده‌اند.

در تاریخ اسلام نیز ماجرای عاشورا و شخصیت امام حسین، درخششی فوق‌العاده دارد. اساساً ماجرای کربلا، تحولات عجیب و گسترده‌ای در تمام امپراتوری اسلامی به وجود آورد و اثرات آن در همه‌جا دیده می‌شود؛ چراکه این یک حرکت ساده و عادی نبود. برای نمونه در میان شخصیت‌های تاریخی، اسپارتاکوس جذابیت دارد و درباره‌اش فیلم ساخته می‌شود یا توماس مور، یا مسیح که حتی به یک معنا شخصیتی تاریخی نیست. درباره اینها کتاب‌ها و فیلم‌های بسیاری نوشته و شناخته شده است اما چون مسلمانان بعد از چند قرن رزین اول، به دلایل مختلف دچار انحطاط شدند و به حاشیه تاریخ رفتند، از این جهت در عصر کنونی با به میراث خود توجه نکرده‌اند، یا از زوایایی به آن پرداخته‌اند که چندان کمک‌کننده نبوده است. دیدگاه‌ها یا نوستالژیک بوده، یا صرفاً حسرت گذشته را در خود داشته، یا نگاهی انتقام‌جویانه داشته‌اند. برخی از آنان نیز دچار احساس حقارت شده‌اند و اصلاً این میراث را رها کرده‌اند و گمان کرده‌اند اگر قطع ارتباط کنند، آدم‌های امروزی‌تری خواهند شد! اما اگر ما بخواهیم موارث خود را شناسایی و درباره‌شان آثاری خلق کنیم، با موضوعات بسیار درخشان روبه‌رو می‌شویم که درخشان‌ترینش